Perde(mus) Turk

dosya: 4pc

The Red Fort, Delhi, London, 1989; O'Kane, B., «The Madrasa al-Ghiyāṣiyya at Khargird», *Iran*, 1976, vol. XIV; id, «Tāybād, Turbat-i Jām and Timurid Vaulting», ibid, 1979, vol. XVII.

فریبا افتخار

پَرْده، اصطلاحی در موسیقیِ ایران و جهان اسلام که در حوزه‌های زمانی و مکانی مختلف به معنی مرتبط اما متفاوتی در پیوند با سیستم مُدال و نیز ساختار سازهای زهی به‌کار رفته است. پیشینهٔ تاریخی و ریشه‌شناختیِ واژه به پَردَک یا پَرتَک در زبان پهلوی باز می‌گردد (فره‌وشی، ۱۰۶).

اصطلاح پرده در بسیاری از متون ادبی منظوم و منثور فارسی سده‌های ۵ـ۷ق/۱۱ـ۱۳م در مفهوم مدال و ملودیک، در ترادف با اصطلاحاتی همچون مقام، لحن و راه به‌کار رفته است. به‌عنوان مثال، منوچهری دامغانی، عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر، انوری، نظامی عروضی، خاقانی، نظامی گنجوی، فریدالدین عطار نیشابوری، سراج‌الدین قمری آملی، اوحدالدین کرمانی، محمد عوفی و جلال‌الدین محمد بلخی در آثار خود اصطلاح موسیقایی پرده را به‌کار برده‌اند و به اسامی پرده‌های مختلفی همچون راست، مخالف یا مخالف راست، عراق، مخالفک، حسینی، راهوی، اصفهان، ماده، بوسلیک، نوا، نهاوند، زنگوله و عشاق اشاره کرده‌اند (نک: پورجوادی، ۴۴ـ۵۷). ساختارها و روابط نغمگی پرده‌هایی با همین نامها نیز در بسیاری از رسالات موسیقایی به زبانهای فارسی، عربی، و ترکی در تبیین سیستم مُدال موسیقی ایران و جهان اسلام در قالب اصطلاحاتی همچون پرده و مقام تشریح شده است؛ اگرچه احتمالاً ساختار مدال، ابعاد و روابط نغمگیِ پرده‌ها یا مقامات همنام در گستره‌های زمانی و مکانی مختلف دارای تفاوتهایی نیز بوده است.

نظام پرده‌های موسیقی در رسالات موسیقایی مکتب کهن خراسان و ماوراءالنهر (نک: اسعدی، ۶۷ـ۷۰) همچون «رسالهٔ موسیقی» محمدبن محمود نیشابوری (ص ۶۲ـ ۶۵) و رسالهٔ *اشجار و اثمار* علاءالدین علیشاه بن محمد بن قاسم خوارزمی بخاری (نک: مسعودیه، ۲۱؛ پورجوادی، ۴۹) به‌عنوان اساس سیستم مدال موسیقی ایران در قرنهای ۶ و ۷ق/۱۲ و ۱۳م تشریح شده است. نیشابوری در رسالهٔ خویش علم موسیقی را مشتمل بر ۱۲ پرده و ۶ شعبه، و هر شعبه را برانگیخته از دو پرده، دانسته است (ص ۶۲). وی دربارهٔ پیشینهٔ پرده‌های موسیقی می‌گوید: «هرچه بارید ساخت و بزد ۷ پرده بیش نبود به موافق ۷ کواکب» (ص ۶۳). بدین ترتیب، نیشابوری نظام پرده‌ها یا سیستم مدال موسیقی ایران در روزگار خویش را در تداوم با موسیقی دوران ساسانی می‌داند. همچنین ذکر «۷ پرده» و انتساب آن به بارید را شاید بتوان حاکی از ارجاع به نظام «۷ خسروانی» منسوب به دوران ساسانی دانست. نیشابوری افزایش شمار پرده‌ها و گسترش نظام مدال موسیقی ایران از ۷ پرده به ۱۲ پرده را نیز به موسیقی‌دانی به نام سعیدی ــ که از شاگردان بارید، و در خدمت شاه شروه بوده است ــ منتسب می‌کند و «پردهٔ راست» را «شاه همهٔ پرده‌ها» می‌داند؛ بدین معنی که «همهٔ پرده‌ها [را] از وی گرفته‌اند» (همانجا).

علاء منجم نیز در رسالهٔ *اشجار و اثمار* ــ که در حدود سالهای ۶۷۹ـ۶۹۱ق/۱۲۸۰ـ۱۲۹۲م نگاشته شده است ــ تقسیم‌بندیِ دیگری از نظام پرده‌های موسیقی را ذکر می‌کند. وی در این باب چنین می‌گوید: «اصل پرده‌ها ۷ است و از هریک فرعی تخریج کرده‌اند مبلغ ۱۴ باشد» (نک: مسعودیه، ۲۰ـ۲۱؛ قس: پورجوادی، ۴۹ـ۵۰). همچنین او مانند نیشابوری شمار پرده‌ها را در اصل ۷، و پردهٔ راست را «اُم همهٔ پرده‌ها»، و هریک را منسوب به کوکبی دانسته، اما شمار کل پرده‌ها را ۱۴ ذکر کرده است (همانجا). البته در بررسی تطبیقیِ چنین مطالبی باید تفاوتهای زمانی، جغرافیایی، و احتمال وجود روایتهای متکثر و مختلف به‌طور هم‌زمان را نیز در نظر داشت.

از اواخر سدهٔ ۷ق/۱۳م صفی‌الدین ارموی با نگارش رسالات تأثیرگذاری چون کتاب *الادوار* و *رسالةالشرفیة فی نسب التألیفیه* در بغداد مکتب جدیدی را در تاریخ علم موسیقی جهان اسلام پایه‌گذاری کرد که با عنوان «مکتب منتظمیه» شناخته شده است (نک: اسعدی، ۶۷ـ۷۱). با شکل‌گیریِ این مکتب که سیستم مدال موسیقی را در قالب نظام ادوار، شدود و مقامات تبیین می‌کرد، به‌تدریج اصطلاح «مقام» جایگزین اصطلاح «پرده» شد. صفی‌الدین برای تبیین اساس سیستم مدال اصطلاحاتی چون «دور» و «شدّ» را به‌کار برد و پس از چندی قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴ـ۷۱۰ق/ ۱۲۳۷ـ۱۳۱۰م) در بخش موسیقیِ رسالهٔ *درةالتاج* علاوه بر ذکر پرده‌ها، ظاهراً برای نخستین‌بار از واژهٔ «مقام» و «مقامات مشهور» به‌عنوان اساس سیستم مدال در قالب نظام ادواری موسیقی استفاده کرد (ص ۱۲۲ـ۱۲۴؛ نیز نک: مسعودیه، ۱۹).

در رسالات شاخهٔ فارسی مکتب منتظمیه همچون رسالات عبدالقادر مراغی اصطلاحات پرده و مقام مترادف با یکدیگر، و به‌عنوان صورت عجمیِ اصطلاح عربیِ شدود ذکر شده است: «پرده نزد ارباب عمل ۱۲ مقام است که عرب آنها را شدود خواند و عجم پرده و مقام» (*مقاصد...*، ۵۹). اگرچه در برخی از رسالات فارسی مکتب منتظمیه اصطلاح پرده نیز همچنان به‌کار رفته، اما درمجموع اصطلاح مقام کاربرد و رواج بیشتری داشته است، بدین ترتیب، در رسالات این مکتب در طی سده‌های ۷ـ۱۰ق/۱۳ـ۱۶م به‌تدریج اصطلاح مقام جایگزین مفهوم پرده شده است.

در برخی از این رسالات پرده به غیر از این معنیِ بنیادین در معنای دیگری دربارهٔ ساختار سازهای زهی و مترادف با اصطلاح «دستان»، به مفهوم «علاماتی که بر سواعدِ [= دسته‌های ساز] آلات ذوات الاوتار [= سازهای زهی] رسم کنند تا بدان بدانند که هر نغمه از کدام جزو از اجزاء وتر خارج شود» (همان، ۱۴ـ۱۵) نیز به‌کار رفته است. به‌عنوان مثال، عبدالقادر مراغی در شرح‌سازی به نام «شش تای» می‌گوید: «گاه بعضی بر ساعد آن پرده‌ها بندند» (*جامع...*، ۱۹۹)، یا در توضیح چنگ گفته: «سازی است مشهور... و اوتارِ [= رشته‌ها یا سیمهای] آن را بر ریسمانهای مویین بندند؛ چه، ملاویِ [پیچکها یا گوشیهای] آن

21 KASIM 2009